

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول : مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترق

چهارشنبه ۸ مهر ۱۴۰۵

۱۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ • ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۶ • سال بیست‌وسوم • شماره ۵۴۸۸ • صفحه ۵۵۹۲

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۴ • اذان مغرب ۱۸:۰۸ • اذان صبح فردا ۴:۲۶ • طلوع آفتاب ۵:۵۹

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

محکومیت عباس عبدی و چند نکته



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

در کتابی با نام «مباحثی در جامعه‌شناسی حقوقی در ایران» توسط انتشارات آموزش انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۱ منتشر شده است. او چند کتاب حقوقی دیگر نیز دارد؛ از جمله «معمای حاکمیت قانون در ایران»، «تاثیر زندان بر زندانی، آسیب‌شناسی اجتماعی»، «سرمه‌کشیدن یا کورکردن؛ یادداشت‌هایی درباره جامعه‌شناسی حقوقی»، «جرم، مجرم، مجازات در ایران»، «قدرت، قانون، فرهنگ». فهرست نشان می‌دهد با اینکه تحصیلات نویسنده در زمینه مهندسی پلیمر است، در انتخاب موضوع، عمیق تحلیل و نوآوری از بسیاری حقوق‌دانان آثار جدی‌تری تألیف کرده است.

چهارم، سال ۱۳۸۱ دانشجوی حقوق بودم که خبر محاکمه اعضای «مؤسسه پژوهشی آینده» منتشر شد. این گروه (عباس عبدی، حسین قاضیان و بهروز گرانپایه) به جاسوسی، فروش اطلاعات به بیگانگان و تبلیغ علیه نظام متهم شده بودند. قرار بود جلسه رسیدگی آذماه در شعبه ۱۴۱۰ به ریاست سعید مرتضوی در مجتمع قضائی ویژه کارکنان دولت (خیابان میرعماد) برگزار شود. جلسه علنی بود و برای تماشای دادگاه به مجتمع رفتم. اما برگزارکنندگان به بهانه پرودن سالن مانع ورود دیگر افراد از جمله نایب‌رئیس مجلس و رؤسای چند کمیسیون مجلس ششم شدند. در حکم اولیه، عباس عبدی محکوم شد، ولی در نهایت دیوان عالی کشور ایشان را تبرئه کرد اما دو سالی در بازداشت ماند.

پنجم، هنگامی که در سال ۱۴۰۱ یک وکیل دادگستری و از اعضای

رسانه‌خوانی

چه کسی حقیقت را کشت؟

احمدافروز

چنین روایتی از فرد فراتر می‌رود و وارد فضای جمعی می‌شود، مسئله دیگر صرفاً اخلاق فردی نیست؛ مسئله، قدرت و حافظه اجتماعی است. تکرار، بی‌اثر نیست. پژوهش‌های روان‌شناختی طی سال‌های اخیر بارها نشان داده‌اند که مواجهه مکرر با یک گزاره می‌تواند احساس آشنایی و در نتیجه ادراک درستی آن را افزایش دهد؛ پدیده‌ای که در ادبیات علمی اثر حقیقت‌ناشی از تکرار نامیده می‌شود. پژوهش‌های جدیدتر حتی نشان داده‌اند که تکرار اطلاعات نادرست می‌تواند احتمال بازنشر آنها را نیز افزایش دهد. پس یک دروغ، برای ماندگارشدن الزاماً به سند نیاز ندارد؛ گاهی به تکرار نیاز دارد. یک نفر می‌گوید؛ دیگری نقل می‌کند؛ سومی به آن استناد می‌کند؛ چهارمی می‌گوید همه این‌ را می‌دانند و ناگهان، دروغ دیگر صاحب ندارد. در این مرحله، روایت از سازنده خود مستقل شده است. اینجاست که قدرت وارد صحنه می‌شود. قدرت فقط توانایی تحمیل یک تصمیم نیست؛ گاهی توانایی تعیین این است که یک واقعه چگونه دیده شود، یا چه واژه‌ای نامیده شود و در حافظه جمعی چگونه باقی بماند. زبان در اینجا دیگر صرفاً ابزار بیان نیست؛ ابزار شکل‌دادن به ادراک است. واقعه شاید همان واقعه باشد؛ اما قاب تغییر کرده است. و گاهی انسان نه با خود واقعیت، بلکه با قابی که واقعیت درون آن قرار گرفته فریب می‌خورد. بنابراین برای شناخت یک روایت، فقط نباید پرسید:

گاهی برای کشتن حقیقت، لازم نیست آن را انکار کرد؛ کافی است آن را

در میان انبوهی از روایت‌ها کم کرد. دروغ، همیشه با چهره‌ای آشکار وارد میدان نمی‌شود. گاهی لباس حقیقت می‌پوشد؛ از چند واقعیت درست، چند گزاره انتخاب‌شده و چند سکوت حساب‌شده ساخته می‌شود. بخشی را می‌گوید و بخشی را پنهان می‌کند؛ حادئه را از زمینه‌اش جدا می‌سازد؛ علت و معلول را جابه‌جا می‌کند و در نهایت تصویری می‌سازد که ممکن است تکتک اجزایش واقعی به نظر برسند، اما کلیت آن حقیقت نباشد. این همان جایی است که روایت‌سازی آغاز می‌شود. دروغ ساده می‌گوید چیزی اتفاق افتاده که اتفاق نیفتاده است؛ اما تحریف، اتفاقی را که رخ داده، چنان بازتعریف می‌کند که معنای آن تغییر کند و قلب حقیقت، از این نیز فراتر می‌رود؛ واقعیت را حفظ می‌کند، اما جای نقش‌ها را عوض می‌کند. عامل، قربانی می‌شود؛ قربانی، مقصر و مسئولیت، آرام‌آرام از شانه صاحب برداشته و بر دوش دیگری گذاشته می‌شود. واقعیت باقی است؛ اما نسبیست انسان‌ها با واقعیت تغییر کرده است. چرا؟ زیرا انسان فقط برای دیدنِ دروغ نمی‌گوید؛ گاهی برای خودش نیز روایت می‌سازد. پذیرفتن خطا دشوار است. پذیرفتن شکست دشوارتر و دشوارتر از همه، مواجهه با این حقیقت است که شاید تصویری که سال‌ها از خود ساخته‌ایم، با آنچه واقعا هستیم فاصله داشته باشد. اینجاست که خودفریبی متولد می‌شود. انسان ممکن است ابتدا روایتی را برای دفاع از خود بسازد؛ اما تکرار، آن روایت را به باور تبدیل می‌کند. در نهایت، دیگر از یک دروغ دفاع نمی‌کند؛ از هویت خود دفاع می‌کند و هنگامی که

روان‌خوانی

همه چیز دست ما نیست

پگاه پاکزاد

روان‌شناس

یک جایی از زندگی آدم خسته می‌شود از بس خواسته درست زندگی کند. فکر کرده اگر بیشتر دوست بدارد، اگر بیشتر صبر کند، اگر کمتر خطا کند، اگر حواسش را بیشتر جمع کند، آخرش زندگی کوتاه می‌آید.

اما زندگی اهل کوتاه‌آمدن نیست. گاهی هرچه را می‌توانی، انجام می‌دهی و باز چیزی خراب می‌شود. رابطه‌ای که برای ماندنش جنگیده‌ای می‌رود. کاری که برایش سال‌ها جان گذاشته‌ای، تمام می‌شود. آدمی که خیال می‌کردی پناه توست، خودش محتاج پناه می‌شود و گاهی تمام اینها درست در روزهایی اتفاق می‌افتد که تو دیگر توان یک مصیبت تازه را نداری. ما خیال می‌کنیم اگر مراقب باشیم، می‌توانیم جلوی اتفاق‌ها را بگیریم؛ نمی‌توانیم. دنیا در اتاق ما نمی‌ماند تا از ما اجازه بگیرد. آدم‌ها تصمیم خودشان را دارند. زمان کار خودش را می‌کند. بیماری از راه خودش می‌رسد. جنگ می‌شود. پول بی‌ارزش می‌شود. کسی می‌رود. چیزی از دست می‌رود. و تو می‌مانی با دست‌هایی که هنوز برای نگه‌داشتن، دراز مانده‌اند. شاید برای همین است که این روزها این‌قدر آدم خسته است. ما فقط با بحران زندگی نمی‌کنیم، با ترس بحران بعدی هم زندگی می‌کنیم. هنوز یکی تمام نشده، یکی دیگر از راه می‌رسد. هنوز خاک یک فقدان از روی شانه‌هایمان نریخته، باید برای دیگری آماده باشیم. و بدتر از همه، خودمان را مقصر می‌کنیم.

می‌گویم کاش بیشتر تلاش کرده بودم. کاش زودتر می‌فهمیدم. کاش جور دیگری رفتار می‌کردم. شاید بعضی کاش‌ها فقط شکل محترمانه انکارند؛ انکار این حقیقت ساده و تلخ که همه چیز در اختیار ما نیست. تلاش لازم است، اما کافی نیست. گاهی آدم خوب انتخاب می‌کند و باز شکست می‌خورد. خوب دوست می‌دارد و باز تنها می‌ماند. درست می‌جنگد و باز چیزی را از دست می‌دهد و این شاید یکی از سخت‌ترین سوگ‌های بزرگسالی باشد: سوگ آن آدمی که فکر می‌کرد اگر به اندازه کافی خوب باشدی، می‌تواند زندگی را نجات بدهد؛ نمی‌تواند و فقط می‌تواند سهم خودش را انجام دهد. بقیه‌اش را باید با تمام تلخی‌اش به زندگی سپرد…

خبرخوانی

فواصل بیمه‌ای برطرف می‌شود؟

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از اصلاح فرایند احساب سوابق بیمه‌ای کارگران بدون نیاز به شکایت از کارفرما، درخواست بخشودگی ۶۰درصدی جرایم بیمه‌ای و پیگیری پوشش بیمه‌ای کارگران بنادر خبر داد.

احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در نشست با فعالان اقتصادی آبادان و خرمشهر در سازمان منطقه آزاد اروند، با اشاره به مطالبات مطرح‌شده از سوی فعالان اقتصادی و نمایندگان مردم آبادان و خرمشهر، از اصلاح فرایند مربوط به انفصال سوابق بیمه‌ای، درخواست بخشودگی ۶۰ درصدی جرایم بیمه‌ای و پیگیری پوشش بیمه‌ای کارگران بنادر خبر داد.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ادامه از اصلاح فرایند مربوط به انفصال سوابق بیمه‌ای خبر داد و گفت: گاهی فردی در طول چند سال گذشته، مثلاً پنج ماه سابقه بیمه‌ای ندارد. طبق مقررات فعلی، فرد باید علیه کارفرما شکایت کند، اشتغال خود را اثبات کند و پس از آن کارفرما با پرداخت جرایم، حق بیمه را بپردازد. میدری افزود: «پیشنهاد اصلاح این فرایند در هیئت‌مدیره تصویب شده و ان‌شاءالله اجرا می‌شود؛ به این ترتیب فرد می‌تواند بدون شکایت علیه کارفرما، سابقه خود را به‌روز و مبلغ مربوط را پرداخت کند».

او با اشاره به گستردگی این مسئله گفت: «ما حدود ۹ میلیون نفر-ماه موارد انفصال سوابق بیمه‌ای داریم و این اصلاح می‌تواند برای بسیاری از کارگران رضایت‌بخش باشد».

خارجی‌خوانی

آیا کارکنان سیا

استاد دانشگاه شده‌اند؟



کاهش بی‌سابقه ذخایر سد دوستی رنگ خطر جدی برای تأمین آب شرق کشور را به صدا درآورد است. این سد که از منابع اصلی تأمین آب شرب مشهد محسوب می‌شود، اکنون کمتر از دو درصد از ظرفیت مخزن خود را در اختیار دارد. با توجه به اینکه رودخانه هری رود از افغانستان سرچشمه می‌گیرد، میزان ورودی آب به سد دوستی به شدت وابسته به شرایط اقلیمی و مدیریت منابع آبی در بالادست است. عکس: سید محمد آل رسول، ایسنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

هیئت علمی دانشکده حقوق به دلیل نقد حکم اعدام یکی از بازداشت‌شدگان، از دانشگاه اخراج و بعدها برای اجرای حکم حبس روانه زندان شد. مهندس عبدی تقریباً هر روز در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام و ایکس از او یاد کرد و ساکت نشستست در حالی که بیشتر همکاران ایشان در دانشگاه و کانون وکلای دادگستری مثل همیشه خاموش بودند.

ششم، خردادماه ۱۴۰۴ دومین دور رای‌گیری انتخابات هیئت‌مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز پس از ابطال انتخابات ۱۹ مهرماه ۱۴۰۳ (که برای نخستین بار در تاریخ بیش از ۷۰ساله استقلال کانون وکلا رخ می‌داد) برگزار شد. این انتخابات الکترونیکی بود و نتایج چنان عجیب و غیرمنطقی بود که سرانجام هیئت نظارت بر انتخابات تحت فشارها تن به ابطال آن داد. در آن زمان روزنامه «هم‌میهن» همچنان منتشر می‌شد. تیترا اصلی روز دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۴ به عنوان «انتخابات کانون وکلا؛ برندگان هم معترض شدند» به این موضوع اختصاص یافت. عبدی به عنوان مشاور روزنامه و سرمقاله‌نویس، یادداشت اصلی صفحه یک را به این موضوع اختصاص داد و در جستاری با عنوان «نتایج عجیب یک انتخابات» به این ماجرا پرداخت. در بخشی از این یادداشت آمده است: «… اول اینکه، ۷۰ درصد به مشارکت‌کنندگان افزوده شده است. شاید این مطلوب باشد ولی چون پرنیت آرای افراد داده نشده و مهم‌تر اینکه ساختار و عملکرد برنامه شناخته‌شده نبوده و ایرادات گوناگونی به مراحل اجرایی و اعلام نتایج وارد شده و با نتایج عجیبی مواجه شده‌اند… جالب است وکیل یکی از محکومین اقتصادی که در انتخابات مهرماه فقط ۲۴۷ رأی آورده بود، در این انتخابات به یکباره ۲۵۵۶ رأی یعنی بیش از ۱۰ برابر رأی قبلی آورده بود…».

هفتم، جامعه حقوقی به ویژه وکلای دادگستری همواره خود را پیشگام در عرصه اجتماعی می‌دانند و برای احقاق حقوق شهروندان تلاش می‌کنند. انتظار این است که همان‌گونه که یک دانش‌آموخته «مهندسی» در چند دهه خدمات علمی و عملی به نظام حقوقی داشته است، در این روزگار قردان و پشتیبان با باشد.

چه گفته شده است؟ باید پرسید: چه چیزی گفته نشده است؟ چه بخشی حذف شده؟ چه کسی از این روایت سود می‌برد؟ چه کسی مسئولیت را بر عهده گرفته و چه کسی از آن گریخته است؟ آیا علت و معلول جابه‌جا شده‌اند؟ آیا معیارهای سنجش برای خودی و غیرخودی یکسان است؟ و مهم‌تر از همه، چه شهادی می‌تواند این روایت را اصلاح کند؟ این پرسش آخر، مرز میان حقیقت‌جویی و روایت‌پرستی است. حقیقت، برخلاف روایت بسته، از پرسش نمی‌ترسد. اما روایت بسته، هر شاهد مخالفی را دشمن خود می‌بیند. سندن را توطئه می‌نامد، شاهد را مغرض، پرسشگر را بی‌خبر و واقعیات نامطلوب را تحریف. در این مرحله، روایت دیگر وسیله فهم واقعیت نیست؛ جایگزین واقعیت شده است و شاید این خطرناک‌ترین لحظه باشد. زیرا جامعه‌ای که دیگر میان آنچه اتفاق افتاده و روایتی که درباره آن ساخته شده تمایز نمی‌گذارد، دیر یا زود حافظه خود را نیز به دست روایت‌سازان خواهد سپرد. مسئله امروز فقط این نیست که چه کسی دروغ می‌گوید. مسئله مهم‌تر این است که چه کسی روایت را می‌سازد، چه کسی آن را تکرار می‌کند، چه کسی از آن سود می‌برد و چرا دیگران آن را بدون پرسش بازنشر می‌کنند. شاید بزرگ‌ترین مسئولیت انسان امروز، نه انتخاب سریع میان روایت‌ها، بلکه بازگشت به ابتدایی‌ترین و در عین حال دشوارترین پرسش باشد: واقعا چه اتفاقی افتاد؟ زیرا حقیقت همیشه از میان نرفته است. گاهی حقیقت درست همان‌جاست؛ آرام، خاموش و بی‌ادعا. این ما هستیم که آن را در میان انبوه روایت‌ها کم کرده‌ایم.

۱۷۰۰ ساله

باستان‌شناسان در مصر مقبره‌ای ۱۷۰۰ساله کشف کرده‌اند که درون آن لوحی سنگی با شعری ۱۹سطری به زبان یونانی باستان قرار دارد؛ شعری که در بخش پایانی، پسر ی پدر درگذشته‌اش را خطاب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد پیشکش‌های فرزندان سوگوارش را بپذیرد. این مقبره در واحة داخله، نزدیک شهر باستانی موتیس، در منطقه‌ای که امروزه «موت» نامیده می‌شود کشف شده است. قدمت بنا به قرن چهارم میلادی بازمی‌گردد؛ دوره‌ای که مصر تحت سلطه امپراتوری روم قرار داشت. مقبره از سنگ آهک ساخته شده و سقفی هرمی‌شکل دارد. احتمال داده می‌شود این فرد قاضی باشد. هرچند در گزارش رسمی به کشف بقایای انسانی در مقبره اشاره‌ای نشده است.

۱۰۰هزار سگ

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از ناپدیدشدن گسترده سگ‌ها در کره جنوبی هم‌زمان با اجرای قریب‌الوقوع ممنوعیت تاریخی گوشت سگ خبر داده است. طبق این گزارش حالا بسیاری از آنها ناپدید شده‌اند. در یک کشتارگاه متروکه سگ واقع در یکی از شهرهای کره جنوبی، دستگاه‌های شوک الکتریکی به دیواری تکیه داده شده‌اند که در نزدیکی آن، فقس‌های زنگیزده حاوی جمجمه سگ‌ها به چشم می‌خورد. بررسی‌های اساسی نیز مطرح می‌شود؛ چه بر سر صدها هزار سگی آمد که روزگاری صرفاً برای مصرف خوراکی انسان‌ها پرورش می‌یافتند؟ با تغییر نگرش عمومی و روی‌آوردن نسل جوان کره جنوبی به نگهداری از سگ‌ها به عنوان حیوان خانگی، این گوشت به‌تدریج محبوبیت خود را از دست داده است.

۵۰۰۰ سال

انتشار تصویری تازه از «مریت‌نیت»، ملکه‌ای از دودمان نخست مصر باستان، بار دیگر بحثی قدیمی‌ را در میان مصرشناسان زنده کرده است: آیا او نخستین زنی بود که حدود پنج هزار سال پیش بر مصر حکومت کرد؟ این تصویر که از آثار و سنگ‌نگاره‌های مرتبط با مریت‌نیت بازسازی شده، توجه پژوهشگران و رسانه‌های غربی را به زنی جلب کرده که نامش در میان نخستین فرمانروایان مصر دیده می‌شود؛ شخصیتی که شاید نه‌فقط یک ملکه، بلکه یکی از اولین زنان حاکم در تاریخ مکتوب بشر بوده باشد. مریت‌نیت در حدود سال ۲۹۵۰ پیش از میلاد و در دوران دودمان اول مصر می‌زیست؛ زمانی که پادشاهی مصر تازه شکل گرفته بود.